

The Relationship between Management Ability, Audit Fee, and Going Concern among Firms Listed on Tehran Stock Exchange

***M, Bahar Moghadam**

Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economy, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

T, Salehi

Academic member of Accounting, Baft Higher Education Center, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Z, Azami

Academic member of Accounting, Baft Higher Education Center, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Abstract

There is a little empirical evidence whether management characteristics provide information content to auditors. In this study, the relationships between management ability and audit fees, and also going concern opinion among Firms Listed on Tehran Stock Exchange is investigated. Management ability is measured using Demerjian et al (2012) index using Data Envelopment Analysis (DEA). Target sample includes 89 firms listed on Tehran Stock Exchange (TSE) during 2007 - 2014. Hypotheses were examined using multiple regression model with panel data. Results show that there are significant negative relations between management ability and audit fee. Also there are significant negative relations between management ability and the probability of going concern opinion. In overall, results support the relationship between management ability and auditors decisions.

Key words: Management Ability, Audit Fee, Going Concern.

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال نهم، شماره دوم، پیاپی (۳۲)، تابستان ۱۳۹۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۶

صص: ۲۳-۴۴

رابطه بین توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی بهارمقدم*، تابنده صالحی**، زینب اعظمی***

*دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

mbahar@uk.ac.ir

**مربی گروه حسابداری، مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

ta.salehi@uk.ac.ir

***مربی گروه حسابداری، مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

z.aazami@uk.ac.ir

چکیده

شواهد تجربی اندکی وجود دارد که آیا ویژگی‌های مدیریتی، محتوای اطلاعاتی لازم را برای حسابرسان دارند یا نه. در این پژوهش، رابطه بین توانایی مدیریت با حق‌الزحمه حسابرسی و همچنین اظهارنظر در ارتباط با تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. برای محاسبه متغیر توانایی مدیریتی، از معیاری که دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه داده‌اند، با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است. نمونه مورد بررسی پژوهش مشتمل بر ۸۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره با استفاده از الگوی پنل دیتا استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین توانایی مدیریت با حق‌الزحمه حسابرسان و همچنین، توانایی مدیریت با احتمال انتشار گزارش حسابرسان حاوی بند تداوم فعالیت حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که توانایی مدیریت با تصمیمات حسابرسان در ارتباط است.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی، تداوم فعالیت

مقدمه

تاکنون ادبیات گسترده‌ای در خصوص عوامل تعیین‌کننده حق‌الزحمه حسابرسی و تمایل حسابرسان به انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت شرکت‌ها وجود دارد [۵۳-۳۶-۱۸]. با این حال، بخش عمده پژوهش‌های پیشین بر عوامل تعیین‌کننده در سطح شرکت تمرکز کرده‌اند و شواهد تجربی بسیار اندکی در خصوص تأثیر ویژگی‌های مدیریت شرکت صاحبکار بر حق‌الزحمه و گزارش حسابرس انجام شده است. هدف پژوهش حاضر با توجه به خلاء پژوهشی موجود، بررسی این موضوع است که آیا افزون بر ویژگی‌های سطح شرکت، ویژگی‌های مدیریت شرکت صاحبکار نیز دارای محتوای اطلاعاتی برای حسابرسان هست یا نه؟

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی با حق‌الزحمه حسابرس و احتمال انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

نتایج حاصل از این پژوهش برای حسابرسان مستقل، هیئت‌مدیره شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران و سایر ذی‌نفعان بازار سرمایه مفید است. حسابرسان مستقل می‌توانند از معیار سنجش توانایی مدیریت به منظور بررسی صاحبکاران خود، ارزیابی ریسک کسب‌وکار آنها و اتخاذ تصمیمات قیمت‌گذاری استفاده کنند. همچنین، تدوین‌کنندگان مقررات حاکم بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران می‌توانند از امتیاز توانایی مدیریت به منظور شناسایی شرکت‌های پذیرفته‌شده با ریسک حسابرسی بالاتر استفاده نمایند.

مدل ریسک حسابرسی سیمونیک [۵۳] نشان

می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از میزان تلاش‌های انجام‌شده و ریسک حسابرسی است. توانایی مدیریت ریسک فعالیت حسابرسان را از طریق کاهش ریسک ورشکستگی شرکت یا بهبود کیفیت اطلاعات سود کاهش می‌دهد [۴۲]. بر این اساس، حسابرسان از خطرهای مربوط به توانایی مدیریت واحد مورد رسیدگی آگاه هستند و این شرایط را در تصمیمات قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی خود منظور می‌کنند [۵۴]. از طرفی مشکلات مالی واحد مورد رسیدگی در عمل، ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرسان را افزایش می‌دهد [۱۶]. ناتوانی مدیریت شرکت‌های دارای بحران مالی و عملکرد ضعیف آنها باعث کاهش اعتماد حسابرس می‌شود؛ بنابراین، در این شرکت‌ها احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت در مقایسه با شرکت‌های با مدیران توانمندتر، بیشتر است.

در این پژوهش به منظور بررسی این دیدگاه که توانایی مدیریتی بالاتر با پایین‌تر بودن ریسک حسابرسی (ریسک کسب‌وکار حسابرس) در ارتباط است، از دو متغیر وابسته استفاده شده است: حق‌الزحمه حسابرسی و بند تداوم فعالیت. این دو متغیر از آن جهت مرتبط هستند که هر دو را می‌توان دو عنصر اساسی در تصمیم‌گیری حسابرسان به منظور ارزیابی و انتخاب طرح‌های حسابرسی در نظر گرفت. هر دو تصمیم مزبور مستلزم ملاحظات بسیار دقیقی از عوامل متعدد، به خصوص اطلاعات مربوط به توانایی مدیریت شرکت صاحبکار هستند. چراکه ویژگی‌های مدیران ارشد شرکت صاحبکار اغلب در

پیامدهای سازمانی، شامل گزینه‌های راهبردی و سطوح عملکرد، تابعی از ویژگی‌های مدیریت شرکت باشد. کارملی و تیشر [۱۷] دریافتند، قابلیت‌های مدیریت با عملکرد شرکت‌ها در ارتباط است. چمانور و پایگلیس [۱۹] ادعا کردند کیفیت و شهرت مدیریت ارشد شرکت‌ها اثر تعیین‌کننده‌ای بر ارزش شرکت دارد. مطابق با این دیدگاه، آنها دریافتند کیفیت مدیریت ارشد شرکت‌ها و شهرت آنها سرمایه‌گذاران نهادی بیشتری را جذب می‌کند. از این گذشته، کیفیت مدیریت رابطه معکوسی با کم‌قیمت‌گذاری سهام شرکت در عرضه اولیه داشته است. به‌تازگی، پژوهشگران حوزه حسابداری، بر اثرات خاص مدیران بر گزارشگری مالی شرکت‌ها تمرکز کرده‌اند. بامبر و همکاران [۱۱] دریافتند مدیریت، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رویه‌های افشای شرکت‌ها داشته است. جی و همکاران [۳۲] دریافتند مدیران مالی شرکت‌ها تأثیر درخور توجهی بر گزارشگری مالی شرکت‌ها همچون ارقام تعهدی اختیاری و محافظه‌کاری در حسابداری داشته‌اند. به همین ترتیب، دیرنگ و همکاران [۲۸] مستندات ارائه کردند که مطابق با آن مدیران تأثیر معناداری بر راهبردهای اجتناب مالیاتی به‌وسیله شرکت‌ها دارند. از این گذشته، دمرجیان و همکاران [۲۶] شواهدی ارائه کردند که مطابق با آن توانایی مدیریت، رابطه مستقیمی با کم‌بودن تجدید ارائه‌های آتی، پایداری سود بالاتر، خطای کمتر در برآورد مطالبات مشکوک‌الوصول و کیفیت بالای برآوردهای ارقام تعهدی داشته است. مطالعه بایک و همکاران [۱۰] نشان می‌دهد احتمال و تناوب انتشار اعلامیه پیش‌بینی سود ازسوی مدیریت، به‌موازات توانایی مدیران افزایش می‌یابد و شرکت‌های با مدیران توانمند

بررسی، پذیرش و برنامه‌ریزی کار حسابرسی در نظر گرفته می‌شوند [۳۸، ۳۹].

پژوهش حاضر، ادبیات قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و گزارش‌های حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت را از طریق ارائه شواهد تجربی مبنی بر اینکه پس از کنترل ویژگی‌های خاص سطح شرکتی، ویژگی‌های مدیریتی نیز با حق‌الزحمه حسابرسی و تمایل حسابرسان به انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت در ارتباط هستند، بسط داده است. شواهد یادشده به‌طور خاص از این جهت اهمیت دارد که شواهد تجربی کافی در تأیید رابطه بین ویژگی‌های مدیریتی و تصمیمات حسابرسان در ایران وجود ندارد.

در ادامه، ساختار مقاله به این صورت است که در بخش بعدی چارچوب نظری و پیشینه پژوهش تشریح و فرضیه‌های پژوهش تدوین می‌شود. سپس، روش پژوهش و نتایج آماری ارائه می‌شوند. بخش پایانی پژوهش نیز به تفسیر یافته‌ها و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به‌طورکلی، دو دیدگاه رقیب در خصوص اثرات مدیریت ارشد بر پیامدهای سازمانی شرکت‌ها ارائه شده است. بر اساس دیدگاه اول هانان و فریمن [۳۵] ادعا کردند مدیریت ارشد شرکت‌ها تأثیر اندکی بر پیامدهای سازمانی دارند، زیرا سازمان‌های بزرگ از نوعی لختی و کژی رنج می‌برند و باکمک نیروهای بیرونی به حرکت درمی‌آیند؛ اما دیدگاه جایگزین که به‌طور معمول از آن باعنوان دیدگاه رده‌های بالایی یاد می‌شود را برای نخستین بار هامبریک و میسون [۳۴] مطرح کردند. مطابق با این دیدگاه، انتظار می‌رود

پیش‌بینی‌های دقیق‌تری در مقایسه با شرکت‌های با مدیران با توانایی کمتر ارائه می‌کنند. روی هم‌رفته، یافته‌های پژوهش‌های مزبور مؤید دیدگاه رده‌های بالایی است که مطابق با آن ویژگی‌های مدیریتی بر انواع تصمیمات شرکت‌ها، از جمله گزینه‌های مرتبط با گزارشگری مالی آنها، اثرگذار است.

از طرف دیگر، حساب‌رسان در قبال ادعاهای خود بر روی صورت‌های مالی صاحبکاران خود حق‌الزحمه دریافت می‌کنند [۱۴]. با فرض ثابت بودن سایر شرایط، حق‌الزحمه حسابرسی به‌موازات ریسک‌های قانونی افزایش می‌یابد. حساب‌رسان ممکن است به دلیل وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی حسابرسی شده به وسیله آنها یا به‌سادگی در پی مشکلات مالی یا ورشکستگی صاحبکاران خود مورد پیگرد قانونی قرار بگیرند. احتمال رویارویی حساب‌رسان با مورد اول را به اصطلاح ریسک حسابرسی می‌نامند، درحالی‌که احتمال رویارویی حساب‌رسان با شرایط دوم، ریسک کسب‌وکار قلمداد می‌شود. حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مستقیمی با ریسک حسابرسی و ریسک کسب‌وکار صاحبکار دارد. مطابق با نظر انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ریسک کسب‌وکار شامل دو عنصر اصلی ریسک صاحبکار و ریسک کسب‌وکار حساب‌رسان است. ریسک صاحبکار با تداوم فعالیت و سلامت صاحبکار در ارتباط است، درحالی‌که ریسک کسب‌وکار حساب‌رسان به صورت ریسک هزینه‌های قانونی بالقوه و سایر مخارج مربوط به ارتباط حساب‌رسان با صاحبکار تعریف می‌شود [۱۴، ۴۸]. بر این اساس، ارتباط بسیار نزدیکی بین ریسک کسب‌وکار صاحبکار و ریسک کسب‌وکار حساب‌رسان برقرار است. هرکسی که دچار زیان مالی شده باشد، ممکن است مبادرت به شکایت

از حساب‌رسان کند، حتی اگر هیچ‌گونه ارائه نادرستی در گزارش‌های حسابرسی شده یافت نشده باشد [۴۹]؛ بنابراین، ریسک کسب‌وکار به‌طور معمول به‌صورت ریسک پیش روی حساب‌رسان در نظر گرفته می‌شود، حتی در شرایطی که گزارش حسابرسی بر اساس مقررات و قواعد حسابداری نیز بدون نقص باشد. نتایج تجربی به‌دست‌آمده در پژوهش‌های پیشین نیز از این ادعا حمایت می‌کنند. پالمروس [۵۰] رابطه مستقیمی بین ورشکستگی و دعاوی حقوقی علیه حساب‌رسان دریافت. بل و همکاران [۱۴] دریافتند حق‌الزحمه حسابرسی برای صاحبکاران دارای ریسک بالاتر، بیشتر است. مورگان و استاکن [۴۸] نیز شواهدی به‌دست آوردند که مطابق با آن، حق‌الزحمه حسابرسی به‌موازات ریسک کسب‌وکار افزایش می‌یابد. سایمونیک [۵۳] نشان داد حق‌الزحمه حسابرسی منعکس‌کننده هزینه منابع سرمایه‌گذاری شده در حسابرسی و همچنین زیان‌های بالقوه ناشی از دعاوی حقوقی آتی و یا تخریب شهرت حساب‌رسان (ریسک کار حسابرسی) در آینده است. رابطه مستقیم بین ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی به‌خوبی در ادبیات پیشین تبیین شده است. به‌طور خاص، شماری از مطالعات به بررسی جایگاه ریسک کسب‌وکار صاحبکار در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته‌اند [۱۳-۱۴-۳۷-۴۶-۴۸-۵۱-۵۳]. یافته‌های آنها نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی به‌موازات افزایش ریسک کسب‌وکار صاحبکار افزایش می‌یابد.

بر اساس مدل ریسک حسابرسی سیمونیک [۵۳]، کریشن و وانگ [۴۲] بیان می‌کنند توانایی مدیریت واحد مورد رسیدگی، در ارتباط با تصمیم‌های قیمت‌گذاری حسابرسی، با اهمیت است؛ زیرا توانایی

مدیریت، احتمال درگیر شدن حسابرس در دعاوی حقوقی را از طریق بهبود کیفیت اطلاعات سود و یا کاهش ریسک ورشکستگی تجاری کاهش می‌دهد. علاوه بر مدل ریسک حسابرسی، مدل‌های تحلیلی و رفتاری موجود برای مذاکرات حسابرسی [۸-۳۳-۵۲] نشان می‌دهند ارزیابی حسابرسان نسبت به عوامل ریسک حسابرسی، در نتیجه مذاکرات حسابرس و مشتری بوده است و توانایی مدیریت در تعیین حق الزحمه خدمات حسابرسی تأثیرگذار است [۵۴]. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه معکوسی بین توانایی مدیریت با حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت وجود داشته باشد. این انتظار بدان دلیل است که توانایی مدیریت مبین پایین‌تر بودن ریسک کسب‌وکار حسابرسی به دلایل زیر است:

اول اینکه توانایی مدیریت به کاهش ریسک عملکرد ضعیف و همچنین ریسک ورشکستگی شرکت منجر می‌شود [۴۲]. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود بالاتر بودن توانایی مدیریت به تقلیل ریسک تداوم فعالیت شرکت‌ها منجر شود، زیرا توانایی مدیریت با عملکرد جاری و آتی شرکت‌ها در ارتباط است.

دوم اینکه پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد شرکت‌های دارای مدیران توانمندتر، تجدید ارانه‌های کمتری در آینده دارند و به نحو بهتری قادر به برآورد ارقام تعهدی هستند که در نتیجه این شرکت‌ها از کیفیت سود بالاتری نیز برخوردارند [۲۵]. این عوامل نشان می‌دهند ریسک حسابرسی احتمالاً با افزایش توانایی مدیریت کاهش می‌یابد، به این معنا که هر چه توانایی مدیریت بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت نیز کمتر خواهد بود.

همچنین، در شرایط واقعی ریسک طرح دعاوی حقوقی با ضعیف شدن نتایج عملکرد شرکت یا ایجاد بحران‌های مالی افزایش می‌یابد و این شرایط یکی از مهم‌ترین دلایل طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان است [۱۶-۴۷-۴۱]. در این شرایط حسابرس با مشکلات بیشتری برای دفاع از خود در دعاوی حقوقی روبه‌روست [۵۴]؛ بنابراین، نگرانی درباره ناتوانی مدیریت برای رفع مشکلات مالی ایجاد شده در نتیجه عملکرد ضعیف مدیران، اعتماد حسابرس نسبت به توانایی مدیریت برای تبدیل منابع در اختیار واحد مورد رسیدگی به درآمد و سودآوری را کاهش می‌دهد [۵۴]؛ بنابراین، در شرکت‌های با توانایی مدیریتی پایین‌تر، احتمال انتشار گزارش حاوی تداوم فعالیت بیشتر خواهد بود.

یاتاوا و یان [۵۴] به بررسی ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرس بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۲۱۲ سال-شرکت طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ پرداختند. در این مطالعه، تأثیرات سه عامل ساختاری تعدیل‌کننده دعاوی حقوقی علیه حسابرس، آشنایی حسابرس با واحدهای مورد رسیدگی و تغییرات در محیط بررسی شد. نتایج پژوهش آنها نشان داد رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه خدمات حسابرسی احتمالاً برای مشتریانی که ابهام درباره تداوم فعالیت آنها وجود دارد یا در دوره پس از یک بحران مالی فعالیت می‌کنند، ضعیف‌تر است. همچنین، نتایج پژوهش آنها نشان داد هر چه دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر باشد، رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی قوی‌تر است. رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی نیز، بعد از تصویب

قانون ساربینز-اکسلی نسبت به قبل از آن قوی‌تر است.

باشودیس [۱۲] به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و خدمات غیر حسابرسی با احتمال وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی پرداخت. نتایج این بررسی تجربی در کشور انگلستان نشان داد حق‌الزحمه خدمات حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با گزارش حاوی بند تداوم فعالیت دارد، درحالی‌که حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی رابطه منفی و معناداری با گزارش حاوی بند تداوم فعالیت دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی با حق‌الزحمه خدمات حسابرسی بالاتر به احتمال بیشتری بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی دریافت می‌کنند؛ همچنین، شرکت‌هایی با حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی بالاتر به احتمال کمتری بند تداوم فعالیت دریافت می‌کنند.

کریشنان و وانگ [۴۲] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی و بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی پرداخته‌اند. برای این منظور، از معیاری که دمرجیان و همکاران [۲۳] ارائه دادند، برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت استفاده کردند. یافته‌های این پژوهش بر روی نمونه‌ای متشکل از ۳۱۰۰۰ سال-شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ نشان داد رابطه منفی و معناداری بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد، زیرا توانایی مدیریت باعث کاهش ریسک حسابرسی می‌شود. همچنین، رابطه منفی و معناداری بین توانایی مدیریت و احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت وجود دارد.

لورتی و گریس [۴۳] به بررسی تأثیر مدیران بر عملکرد شرکت در شرایط بحرانی پرداختند. نتایج

حاصل از پژوهش آنها با به‌کارگیری تحلیل پوششی داده‌ها نشان داد توانایی بالاتر مدیران شرکت‌ها منجر به کاهش احتمال ورشکستگی می‌شود.

بنسال و همکاران [۱۵] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و ارزیابی ریسک اعتباری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد مدیران توانمندتر تغییرپذیری کمتری در عملکرد آینده دارند. همچنین، ارزیابی پایین‌تری از ریسک اعتباری این شرکت‌ها به وسیله مؤسسات رتبه‌بندی ریسک اعتباری انجام می‌گیرد و در شرکت‌هایی که مدیران آن توانایی بالاتری دارند، هزینه بدهی پایین‌تر است.

کستر و همکاران [۴۰] به بررسی نقش توانایی مدیریت در اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد توانایی مدیریت رابطه معکوسی با نرخ مؤثر مالیاتی دارد. به عبارت دیگر، توانایی مدیران باعث کاهش مالیات بر درآمد پرداختی می‌گردد.

فرانسیس و همکاران [۳۰] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت در مورد قرارداد وام بانکی پرداختند. نتایج نشان داد شرکت‌ها با توانایی مدیران بالاتر، شرایط وام مطلوب‌تری داشتند. برای شرکت‌هایی که مدیران تواناتری داشتند، تأمین مالی سریع‌تر انجام می‌شود. همچنین، این شرکت‌ها قراردادهای وامی با نرخ بهره پایین‌تر و زمان بازپرداخت طولانی‌تری داشتند.

لی [۴۴] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کاهش ارزش سرقفلی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد رابطه منفی و معناداری بین توانایی مدیریت و کاهش ارزش سرقفلی وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که مدیران تواناتری دارند، کاهش ارزش کمتری در سرقفلی آنها دیده می‌شود.

جوی و همکاران [۲۲] به بررسی رابطه بین توانایی عملیاتی مدیرعامل با ارقام تعهدی و

مدیران توانمندتر شرایط وام مطلوب‌تری (مانند سررسید طولانی‌تر و میثاق‌های سختگیرانه کمتری) ایجاد می‌کنند.

در ایران نیز عمده پژوهش‌های پیشین صورت گرفته در این حوزه مربوط به بررسی توانایی مدیریت با متغیرهایی بجز حق الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند تداوم فعالیت بوده است.

بزرگ‌اصل و صالح‌زاده [۳] به بررسی رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین توانایی مدیریت و پایداری سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در عین حال، رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

منصورفر و همکاران [۶] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین توانایی مدیریت و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، وجود مدیران توانمندتر باعث پایداری بیشتر سود و همچنین کیفیت بهتر ارقام تعهدی می‌شود.

بزرگ‌اصل و صالح‌زاده [۲] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه معناداری وجود ندارد.

ایزدی‌نیا و همکاران [۱] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها از تجدید

جریان‌های نقدی آتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در شرکت‌های دارای مدیران توانمندتر، رابطه بین ارقام تعهدی دوره جاری و جریان‌های نقدی آتی قوی‌تر است.

آندرو و همکاران [۷] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد توانایی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با عملکرد شرکت دارد. در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبروست، مدیران توانمندتر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع موردنیاز برای سرمایه‌گذاری دارند. همچنین، نتایج نشان داد توانایی مدیریت دارای رابطه منفی و معناداری با عدم تقارن اطلاعاتی است.

دمرجیان و همکاران [۲۷] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد مدیران با توانایی بالاتر به احتمال بیشتری از مدیریت سودهای تعهدی استفاده می‌کنند. همچنین، نتایج نشان داد پیامدهای منفی مدیریت سود در میان مدیران با توانایی بالاتر کاهش می‌یابد.

چامنر و همکاران [۲۰] به بررسی کیفیت مدیریت سیاست‌های سرمایه‌گذاری و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین توانایی مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران توانمندتر قادرند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، ارزش ذاتی شرکت را بهتر به سرمایه‌گذاران منتقل کنند.

فرانسیس و همکاران [۳۱] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و قراردادهای وام بانکی پرداختند. نتایج پژوهش آنها بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۸۱۱۸ مشاهده در بازه زمانی ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹ نشان داد

فرضیه اول: بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین توانایی مدیریت و احتمال انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و روش‌شناسی آن از نوع پس‌رویدادی است. به لحاظ هدف، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است که نتایج حاصل از آن می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از جمله حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، سهامداران، قانون‌گذاران و محققان مفید واقع شود. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. البته برای اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیریت از تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است. داده‌های موردنیاز پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و سایت مدیریت توسعه، پژوهش و مطالعات اسلامی، سایت کدال و بانک اطلاعاتی تدبیرپرداز استخراج و جمع‌آوری شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش با استفاده از روش حذف نظام‌مند و بر اساس معیارهای زیر گزینش شده است:

۱. به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های موردبررسی، شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند و تا

ارائه صورت‌های مالی (سود و زیان)، به‌عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین توانایی مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، در شرکت‌هایی با مدیران توانمندتر، تجدید ارائه صورت‌های مالی کمتر است؛ در نتیجه این شرکت‌ها کیفیت سود بالاتری دارند.

پیری و همکاران [۵] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در دوره رشد، بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی در دوره بلوغ و افول، وجود مدیران توانمندتر باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها نمی‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی این دیدگاه که توانایی مدیریتی بالاتر با پایین‌تر بودن ریسک حسابرسی (ریسک کسب‌وکار حسابرس) در ارتباط است، از دو متغیر وابسته حق‌الزحمه حسابرسی و بند تداوم فعالیت استفاده شده است. این دو متغیر از آن‌رو مرتبط هستند که دو عنصر اساسی در تصمیم‌گیری حساب‌رسان به منظور ارزیابی و انتخاب طرح‌های حسابرسی در نظر گرفته می‌شوند. هر دو تصمیم مزبور، مستلزم ملاحظات بسیار دقیقی از عوامل متعدد، به‌خصوص اطلاعات مربوط به توانایی مدیریت شرکت صاحبکار هستند؛ چراکه ویژگی‌های مدیران ارشد شرکت صاحبکار اغلب در بررسی، پذیرش و برنامه‌ریزی کار حسابرسی در نظر گرفته می‌شوند [۳۶، ۳۵]. بنابراین با توجه به مبانی نظری و پیشینه، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شود:

پایان سال ۱۳۹۴ از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.

۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

۳. در طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشد.

۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.

۵. اطلاعات موردنیاز پژوهش برای دوره موردبررسی در پایگاه‌های اطلاعاتی بورس و نرم‌افزار تدبیرپرداز در دسترس باشد.

لازم به ذکر است اگرچه قلمرو زمانی این پژوهش محدود به بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است، اما از اطلاعات مالی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ نیز در محاسبه کیفیت سود استفاده شده است. همچنین، برای محاسب، متغیر تجدید ارائه سال ۱۳۹۳ از صورت‌های مالی ۱۳۹۴ استفاده شده است.

در نهایت با توجه به معیارهای ذکرشده، نمونه آماری پژوهش متشکل از ۸۹ شرکت طی دوره زمانی ۸ سال یعنی ۷۱۲ سال- شرکت شد.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

شاخص توانایی مدیریتی

شاخص اندازه‌گیری توانایی مدیریتی مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از مدل دمرجیان و همکاران رابطه (۱)

[۲۶] است. در الگوی مورد استفاده در این پژوهش که در رابطه (۱) آمده است، از یک فرآیند دومرحله‌ای برای تخمین توانایی مدیریت استفاده شده است. در مرحله اول، با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها، از یک فرآیند بهینه‌سازی غیرخطی به منظور ارزیابی کارایی نسبی واحدهای تصمیم‌گیری استفاده شد، به این صورت که کارایی شرکت از طریق حل یک مدل بهینه‌سازی با استفاده از نرم‌افزار LINGO برآورد می‌شود که در آن فروش به‌عنوان متغیر خروجی و ۷ متغیر دیگر یعنی بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، هزینه اجاره عملیاتی، هزینه‌های پژوهش و توسعه، سرفقلی و سایر دارایی‌های نامشهود به‌عنوان ورودی در نظر گرفته شده‌اند که به مقدار زیادی حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد موردنظر را پوشش می‌دهد. در این مرحله هدف این است که شرکت‌هایی را شناسایی کرد که بیشترین میزان درآمد را از محل مجموعه‌ای از ورودی‌های مشخص ایجاد می‌کنند. در این الگو برای هر متغیر یک ضریب خاص در نظر گرفته شده است؛ زیرا اثر هر کدام از متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست.

$$\max_v \theta = \frac{\text{sales}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{Opslease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Intan}}$$

سال Opslease_t : هزینه اجاره عملیاتی شرکت t در سال t , R\&D : هزینه پژوهش و توسعه شرکت t در سال t , Goodwill : سرفقلی خریداری‌شده شرکت t در ابتدای سال t , Intan : خالص دارایی‌های نامشهود شرکت t در ابتدای سال t

که در آن:

COGS : بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته شرکت t در سال t , SG\&A : هزینه‌های عمومی اداری و فروش شرکت t در سال t , NetPPT : مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت t در ابتدای

می‌دهد که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی، برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر است.

Age: عمر پذیرش شرکت ز در بورس اوراق بهادار و برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است.

Foreign Currency Indicator: صادرات شرکت ز در سال t، برای شرکت‌هایی که صادرات داشته‌اند، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.

جزء باقیمانده مدل رگرسیونی مزبور، به‌عنوان امتیاز توانایی مدیریتی در نظر گرفته می‌شود. این معیار نشان‌دهنده توانایی مدیریت شرکت‌ها، در مقایسه با رقبای آنها در صنعت، در تبدیل منابع شرکت به درآمد است. در این پژوهش برای اشاره به این امتیاز به اختصار از نماد MABILITY استفاده می‌شود که نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است.

کیفیت سود

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری کیفیت سود مدل تعدیل شده دیچاو و دیچو [۲۳] برازش شد. این متغیر با استفاده از اطلاعات ۵ سال قبل شرکت‌ها و رگرسیون غلتان محاسبه شد. جزئیات این مدل به شرح رابطه (۳) است:

$$\frac{TCA_{j,t}}{Assets_{j,t}} = \phi_{0,j} + \phi_{1,j} \frac{CFO_{j,t-1}}{Assets_{j,t}} + \phi_{2,j} \frac{CFO_{j,t}}{Assets_{j,t}} + \phi_{3,j} \frac{CFO_{j,t+1}}{Assets_{j,t}} + \phi_{4,j} \frac{\Delta Rev_{j,t}}{Assets_{j,t}} + \phi_{5,j} \frac{PPE_{j,t}}{Assets_{j,t}} + v_{j,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن:

مقدار محاسبه‌شده برای کار آیی شرکت عددی بین صفر تا یک را در برمی‌گیرد که حداکثر کارایی برابر یک است و هرچه مقدار کمتر باشد، به آن معناست که کارایی شرکت پایین‌تر است.

در مرحله دوم، توانایی مدیریت با در نظر گرفتن معیار کارایی شرکت برآورد می‌شود. از آنجاکه در محاسبات مربوط به کارایی (رابطه ۱)، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارد، دمرجیان و همکاران [۲۶] به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگویی که ارائه داده‌اند، کارایی را به دو بخش جدا، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل ۵ ویژگی خاص شرکت انجام داده‌اند که شامل اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان‌های نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی است. هرکدام از این ۵ متغیر که ویژگی ذاتی شرکت هستند، به مدیریت کمک می‌کنند تا تصمیمات بهتری را اتخاذ کند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کند. در این پژوهش نیز بر اساس مدل دمرجیان و همکاران [۲۶] رابطه بین کارایی شرکت و ۵ ویژگی شرکتی که بر کارایی شرکت اثرگذار هستند، بر اساس رابطه (۲) برآورد شد.

رابطه (۲) FirmEfficiency

$$= a_0 + a_1 \text{Size} + a_2 \text{Market Share} + a_3 \text{CashFlow Indicator} + a_4 \text{Age} + a_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

که در آن:

Size: اندازه شرکت ز در سال t که با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت برابر است.
Market Share: سهم بازار شرکت ز در سال t و با نسبت فروش شرکت به فروش صنعت برابر است.
Cash Flow Indicator: افزایش (کاهش) در جریان‌های نقد عملیاتی شرکت ز در سال t را نشان

باقی‌مانده مربوط به هر سال- شرکت و مبنای معیار محاسبه کیفیت ارقام تعهدی است.

شاخص ورشکستگی (zscore)

برای ورشکستگی شاخص‌های متعددی وجود دارد. یکی از این شاخص‌ها ZSCORE آلتمن است که در پژوهش‌های گذشته به‌طور وسیع پژوهشگران استفاده کرده‌اند، اما این نسبت برای شرایط اقتصادی متفاوت، در دوره زمانی متفاوت و در کشور آمریکا محاسبه شده است؛ به همین دلیل، این شاخص باید متناسب یا شرایط اقتصادی هر کشور تعدیل شود تا امکان استفاده از آن فراهم آید. ما در این پژوهش از Zscore استفاده کردیم که پورحیدری و کویایی [۴] محاسبه کرده‌اند. این شاخص بر اساس رابطه (۷) برای هر شرکت محاسبه شد:

$$\text{zscore} = \frac{3}{20784k1} + \frac{1}{80384k2} + \frac{1}{61363k3} + \frac{0}{50094k4} + \frac{0}{16903k5} - \frac{0}{39709k6} - \frac{0}{12505k7} + \frac{0}{33849k8} + \frac{1}{42363k9} \quad \text{رابطه (۷)}$$

که در آن:

$K1$: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها، $K2$: نسبت سود انباشته به مجموع دارایی‌ها، $K3$: نسبت سرمایه در گردش به مجموع دارایی‌ها، $K4$: نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع بدهی‌ها، $K5$: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش، $K6$: نسبت دارایی جاری به بدهی جاری، $K7$: نسبت سود خالص به فروش، $K8$: نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها، $K9$: اندازه شرکت است.

مدل تجربی

در این پژوهش مدل رگرسیونی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و عوامل تعیین‌کننده آن، بر

$TCA_{j,t}$: کل ارقام تعهدی جاری شرکت j برای دوره t
 $Assets_{j,t}$: میانگین کل دارایی‌های شرکت j در سال t
 CFO : جریان‌های نقدی عملیاتی
 $\Delta Rev_{j,t}$: تغییرات درآمد شرکت j بین سال‌های $t-1$ و t
 $PPE_{j,t}$: ارزش ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت j در سال t است. کل ارقام تعهدی جاری شرکت j برای دوره t به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$TCA_{j,t} = (\Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} + \Delta STDEBT_{j,t}) \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در آن:

$\Delta CA_{j,t}$: تغییرات دارایی‌های جاری شرکت j بین سال‌های $t-1$ و t
 $\Delta CL_{j,t}$: تغییرات بدهی‌های جاری شرکت j بین سال‌های $t-1$ و t
 $\Delta Cash_{j,t}$: تغییرات موجودی نقدی شرکت j بین سال‌های $t-1$ و t
 $\Delta STDEBT_{j,t}$: تغییرات تسهیلات جاری شرکت j بین سال‌های $t-1$ و t است.

جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت j در سال t ($CFO_{j,t}$) به شرح رابطه (۵) اندازه‌گیری می‌شود:

$$CFO_{j,t} = NIBE_{j,t} - TA_{j,t} \quad \text{رابطه (۵)}$$

که در آن:

$NIBE_{j,t}$: سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه شرکت j در سال t و $TA_{j,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت j در سال t است که بر اساس رابطه (۶) اندازه‌گیری می‌شود:

$$TA_{j,t} = \Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} + \Delta STDEBT_{j,t} - DEPN_{j,t} \quad \text{رابطه (۶)}$$

که در آن:

$DEPN_{j,t}$: هزینه استهلاک و انقضای دارایی‌های نامشهود شرکت j در سال t است. حاصل تخمین‌های رابطه (۳) به تفکیک هر شرکت یکسری مقادیر

می‌رود ضرایب برازش شده برای این متغیر عددی مثبت و معنادار باشد. همچنین، از دو متغیر جانشین مختلف برای اندازه‌گیری رشد صاحبکار استفاده شد که عبارت‌اند از: نسبت ارزش بازار به دفتری (BM) و رشد فروش (SGROWTH). چوی و همکاران [۲۱] ضرایب منفی را برای دو متغیر مزبور گزارش کرده‌اند. افزون بر این، اثرات حسابرسی اولیه نیز با در نظر گرفتن متغیر مجازی (INITIAL)، به‌منظور کنترل اینکه حق‌الزحمه حسابرسی ممکن است در حسابرسی اولیه بنا به ملاحظات هم‌چون نرخ‌شکنی و کسب مشتری جدید، کمتر از حق‌الزحمه مورد انتظار باشد، در مدل لحاظ شده است.

متغیر اصلی موردنظر در این پژوهش شامل مقادیر دوره گذشته مربوط به امتیاز توانایی مدیریت ($MABLTY_{t-1}$) است. از این‌رو، از مقادیر دوره گذشته متغیر مزبور استفاده شده است که حق‌الزحمه حسابرسی به‌طور معمول در ابتدای سال مالی مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرد، در نتیجه، اطلاعات مربوط به توانایی مدیریت در سال جاری ممکن است در زمان تعیین حق‌الزحمه در دسترس نباشند. همچنین، لازم به توجه است که توانایی مدیریت حداقل در کوتاه‌مدت، عاملی چسبنده است. مدل تجربی برازش شده برای حق‌الزحمه حسابرسی به‌طور خلاصه به شرح رابطه (۸) است:

$$\begin{aligned} LAUDIT_{it} &= \beta_0 + \beta_1 MABILITY_{it} \\ &+ \beta_2 LNTA_{it} + \beta_3 EQ_{it} \\ &+ \beta_4 BM_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} \\ &+ \beta_7 INVREC_{it} + \beta_8 LOSS_{it} \\ &+ \beta_9 SGROWTH_{it} \\ &+ \beta_{10} INITIAL_{it} \\ &+ \beta_{11} AUDLAG_{it} + \beta_{12} AGE_{it} \\ &+ \beta_{13} GC_{it} + \beta_{14} RSTATE_F_{it} \\ &+ \beta_{15} NEW_FIN_{it} + \beta_{16} BIG_{it} \\ &+ \beta_{17} ZSCORE_{it} + \beta_{18} OPCFO_{it} \\ &+ \beta_{19} INVEST_{it} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۸)}$$

اساس پژوهش‌های پیشین مستند شد [۵۳ - ۲۹ - ۹]. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از ویژگی‌های صاحبکار شامل اندازه، پیچیدگی حسابرسی، ریسک صاحبکار و اندازه حسابرسی است. در این پژوهش از لگاریتم مجموع دارایی‌ها (LNTA)، نسبت مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها به مجموع دارایی‌ها (INVREC) و تأخیر حسابرسی (AUDLAG) به‌منظور کنترل اثرات اندازه صاحبکار و پیچیدگی حسابرسی استفاده شده است. انتظار می‌رود ضرایب برازش شده برای متغیرهای مزبور اعدادی مثبت و معنادار باشند. همچنین، متغیر سن شرکت نیز (AGE)، متغیری کنترلی در مدل گنجانده شده است و هیچ‌گونه پیش‌بینی نسبت به علامت این متغیر ارائه نشده است.

همچنین، به‌منظور کنترل اثرات بالقوه مربوط به ریسک کسب‌وکار صاحبکار (ریسک ذاتی)، متغیرهای نرخ بازده دارایی‌ها و زیان (ROA و LOSS)، اهرم (LEV)، فعالیت‌های تأمین مالی (NEWFIN) و بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی (GC) استفاده شده است. لازم به ذکر است، انتظار می‌رود ضرایب برازش شده برای متغیرهای LOSS، LEV و GC اعدادی مثبت و معنادار و برای متغیر ROA عددی منفی و معنادار باشد. اگرچه فعالیت‌های تأمین مالی جدید منجر به کاهش ریسک ورشکستگی صاحبکار می‌شوند، با این حال این دسته از فعالیت‌ها منجر به افزایش ریسک کسب‌وکار حسابرس نیز می‌شوند. بر این اساس، هیچ‌گونه پیش‌بینی در خصوص علامت ضریب برازش شده برای متغیر NEWFIN ارائه نشده است.

در مدل تجربی این پژوهش، متغیر تجدید ارائه حسابداری (RESTATE) به‌عنوان نماینده کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نیز گنجانده شد که انتظار

از سوی دیگر، معنادار نبودن ضریب مزبور تأیید می‌کند معیار سنجش توانایی مدیریتی که دمرجیان و همکاران [۲۶] ارائه داده‌اند، هیچ محتوای اطلاعاتی در خصوص حق الزحمه حسابرسی در بر ندارد.

تعاریف عملیاتی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره (۱) ارائه شده است. در صورتی که ضریب به دست آمده برای این متغیر عددی منفی و معنادار باشد، این مسئله تأیید می‌کند توانایی مدیریت منجر به کاهش ریسک کار حسابرسی شده است و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را نیز کاهش می‌دهد.

نگاره ۱. تعاریف متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های حق الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت

| | |
|-----------|--|
| LAUDIT | لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی |
| MABILITYS | امتیاز توانایی مدیریت محاسبه شده مطابق با مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) |
| LNTA | لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها |
| EQ | متغیر جانشین کیفیت سود (در این پژوهش مدل تعدیل شده دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) برازش شد) |
| BM | ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام |
| LEV | مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌ها |
| ROA | نرخ بازده دارایی‌ها (سود قبل از اقلام استثنایی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها) |
| INVREC | مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها |
| LOSS | در صورتی که شرکت در سال جاری زیان‌ده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| SGROWTH | نرخ رشد فروش‌های شرکت در مقایسه با سال مالی قبل |
| INITIAL | در صورتی که حسابرس فعلی یک سال یا کمتر حسابرسی این صاحبکار را انجام داده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| AUDLAG | تعداد روزهای بین تاریخ امضای گزارش حسابرسی و پایان سال مالی |
| AGE | سن شرکت بر اساس سال‌های پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران |
| GC | در صورتی که گزارش حسابرسی شرکت حاوی بند تداوم فعالیت بوده است، به این صورت که حسابرس اظهار نااطمینانی نسبت به توانایی شرکت به ادامه فعالیت کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| RESTATE | در صورتی که شرکت صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| NEW_FIN | در صورتی که شرکت تأمین مالی جدیدی کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| BIG | در صورتی که حسابرسی شرکت را سازمان حسابرسی انجام داده باشد، یک و در غیر این صورت صفر |
| ZSCORE | در این پژوهش از <i>Zscore</i> استفاده شد که پورحیدری و کوپایی (۱۳۸۹) آن را محاسبه کرده‌اند. |
| OPCFO | جریان‌های نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها |
| INVEST | سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم بر مجموع دارایی‌ها |

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

حسابرسی و مجموع دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی به ترتیب ۵/۸۸۴ و ۱۳/۲۵۹ بوده است. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها ۰/۱۲۴ بوده است و حدود ۲ درصد از مشاهدات این پژوهش زیان

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای رابطه (۸) در نگاره (۲) نشان داده شده است. میانگین حق الزحمه

فعالیت دریافت کرده‌اند و نزدیک به ۱۵ درصد از نمونه بررسی شده در این پژوهش را سازمان حسابرسی (بزرگ‌ترین مؤسسه حسابرسی فعال در ایران) رسیدگی کرده است.

خالص گزارش کرده بودند. در حدود ۲۴ درصد از مشاهدات، مربوط به حسابرسی اولیه حسابرسی مستقل جدید شرکت و میانگین تأخیر گزارش حسابرسی نیز ۷۱ روز بوده است. حدود ۱/۷ درصد از مشاهدات گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| نام متغیر | نماد متغیر | میانگین | انحراف معیار | کمینه | بیشینه |
|---------------------------------|------------|---------|--------------|--------|--------|
| لگاریتم طبیعی حق‌الرحمه حسابرسی | LAUDIT | ۵/۸۸۴ | ۰/۸۱۵ | ۳/۵۵۵ | ۹/۵۰۸ |
| توانایی مدیریت | MABILITY | ۰/۱۰۳ | ۰/۱۶۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۸ |
| اندازه صاحبکار | LNTA | ۱۳/۲۵۹ | ۱/۲۳۹ | ۹/۸۸۰ | ۱۸/۸۲۵ |
| کیفیت سود | EQ | ۰/۰۵ | ۰/۱۳۲ | -۰/۵۹۵ | ۰/۷۹۲ |
| ارزش بازار به دفتری | BM | ۲/۳۶ | ۱/۶۳ | -۰/۸۷ | ۸/۴۹ |
| اهرم | LEV | ۰/۶۲۸ | ۰/۱۹۴ | ۰/۱۴۷ | ۱/۲۵۴ |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA | ۰/۱۲۴ | ۰/۱۳۳ | -۰/۳۲۷ | ۰/۶۳۱ |
| نسبت مجموع موجودی و دریافتی‌ها | INVREC | ۰/۵۲۷ | ۰/۲۰۶ | ۰/۰۴۴ | ۰/۹۲۴ |
| زیان | LOSS | ۰/۰۲ | ۰/۱۳۹ | ۰ | ۱ |
| رشد | SGROWTH | ۰/۲۳۳ | ۰/۴۲۹ | -۰/۷۰۷ | ۵/۲۱۲ |
| حسابرسی نخستین | INITIAL | ۰/۲۴۲ | ۰/۴۲۸ | ۰ | ۱ |
| تأخیر گزارش حسابرسی | AUDLAG | ۷۱/۱۳۹ | ۲۶/۸۰۶ | ۱۵ | ۱۳۹ |
| سن شرکت | AGE | ۳۳/۲۸۷ | ۱۲/۶۹۵ | ۶ | ۶۰ |
| بند تداوم فعالیت | GC | ۰/۰۱۷ | ۰/۱۲۹ | ۰ | ۱ |
| تجدید ارائه | RESTATE | ۰/۷۶ | ۰/۴۳۱ | ۰ | ۱ |
| تأمین مالی جدید | NEW_FIN | ۰/۹۱ | ۰/۲۸۶ | ۰ | ۱ |
| اندازه مؤسسه حسابرسی | BIG | ۰/۱۴۹ | ۰/۳۵۶ | ۰ | ۱ |
| شاخص ورشکستگی | ZSCORE | ۱۹/۱۱۸ | ۲/۱۸۴ | ۱۲/۸۴۸ | ۲۷/۳۵۷ |
| نسبت جریان‌های نقدی عملیاتی | OPCFO | ۰/۱۴ | ۰/۱۴ | -۰/۴۰۸ | ۰/۶۵۳ |
| فرصت سرمایه‌گذاری | INVEST | ۰/۰۸۷ | ۰/۱۱۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۸۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی

پیش‌آزمون‌های مدل‌های پژوهش

در این قسمت، ابتدا الگوی داده‌های موردبررسی برای هر یک از مدل‌های رگرسیونی موردبررسی تعیین و سپس نتایج آزمون‌های لازم در خصوص بررسی مفروضات رگرسیونی ارائه می‌شود.

آزمون‌های تعیین الگوی داده‌ها

پیش از برازش مدل‌های رگرسیونی لازم است ابتدا الگوی داده‌های موردبررسی تعیین و روش مناسب برای برازش هر یک از مدل‌های پژوهش انتخاب شود. برای تشخیص انتخاب بین ترکیبی یا تابلویی بودن الگوی داده‌ها از آزمون F لیمر (آزمون

رگرسیون پی‌زوهش از داده‌های تابلویی استفاده کرده‌اند؛ همچنین با توجه به معنادار بودن آماره‌های Chi-square مربوط به آزمون هاسمن، الگوی داده‌های مورد استفاده در تمامی مدل‌های برازش شده در این پی‌زوهش از نوع اثرات ثابت بوده است.

چاو) استفاده شد. سپس برای تعیین و انتخاب یکی از دو الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در نگاره (۳) مشاهده می‌شود. با توجه به معنادار بودن تمامی آماره‌های F لیمر، هر سه مدل

نگاره ۳. نتایج آزمون‌های تعیین الگوی داده‌های پی‌زوهش

| نتایج آزمون چاو | | نتایج آزمون هاسمن | | مدل رگرسیونی |
|-----------------|------------|-------------------|-----------|---|
| عرض از مبدأها | Chi-square | الگوی کلی | آماره F | |
| اثرات ثابت | ۱۳۳/۹۰۵*** | تابلویی | ۱۳/۴۳۴*** | مدل اندازه‌گیری کیفیت سود (دیچا و دیچو) |
| اثرات ثابت | ۳۰۹/۲۱۷*** | تابلویی | ۱۷/۲۴۸*** | حق‌الزحمه حسابرسی و توانایی مدیریت |
| اثرات ثابت | ۲۳/۶۳۴** | تابلویی | ۴/۰۹۶*** | بند تداوم فعالیت و توانایی مدیریت |

*** معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

منبع: یافته‌های پی‌زوهش

آزمون مفروضات رگرسیونی

بین خطاها برای تمامی مدل‌های پی‌زوهش تأیید می‌شود. همچنین، به لحاظ مناسب بودن مدل (ANOVA) نیز مقدار P-Value مرتبط با آماره F فیشر به دست آمده برای هر سه مدل رگرسیونی پی‌زوهش، معنادار بودن تمامی مدل‌ها در سطح اطمینان ۹۹٪ را نشان می‌دهد؛ بنابراین، فرض H_0 در سطح ۹۹٪ رد و فرض معناداری برای تمامی مدل‌های رگرسیونی پی‌زوهش تأیید می‌شود.

خلاصه آزمون‌های انجام‌شده برای اطمینان از برقراری مفروضات رگرسیونی به شرح نگاره (۴) است. مطابق با این نگاره، مقدار آماره دوربین-واتسون برای هر سه مدل رگرسیونی مورد استفاده در این پی‌زوهش عددی بین ۱/۵ تا ۲/۵ و بسیار نزدیک به حد وسط محدوده مزبور، یعنی عدد ۲ است؛ بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی مدل‌های رگرسیونی پی‌زوهش تأیید می‌شود.

نگاره ۴. آماره‌های بررسی مفروضات رگرسیون مدل‌های پی‌زوهش

| مدل رگرسیونی / آماره | آماره F (فیشر) | معناداری (P-Value) | دوربین واتسون (D-W) |
|---|----------------|--------------------|---------------------|
| مدل اندازه‌گیری کیفیت سود (دیچا و دیچو) | ۱۳/۴۸۵ | ۰/۰۰۰۰ | ۲/۳۱۲ |
| حق‌الزحمه حسابرسی و توانایی مدیریت | ۲۷/۸۱۳ | ۰/۰۰۰۰ | ۱/۹۵۳ |
| بند تداوم فعالیت و توانایی مدیریت | ۳/۶۷۶ | ۰/۰۰۰۰ | ۱/۸۴۱ |

منبع: یافته‌های پی‌زوهش

نتایج برازش مدل‌های رگرسیونی پی‌زوهش

آن استفاده کرد. نتایج برازش مدل‌های رگرسیونی پی‌زوهش به شرح نگاره (۵) و (۶) است که در ادامه به تفکیک هر یک از فرضیه‌های پی‌زوهش بررسی می‌شود.

پس از تعیین الگوی داده‌های مورد استفاده در مدل‌های پی‌زوهش و اطمینان از برقراری مفروضات رگرسیونی مدل‌های مزبور، می‌توان از تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی برای آزمون مدل و تفسیر نتایج

آزمون فرضیه اول

معنادار بوده است، به این معنا که کیفیت سود پایین‌تر با حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر در ارتباط بوده است. ضریب به‌دست‌آمده برای متغیر RESTATE به‌عنوان متغیر جانشین اندازه‌گیری ریسک تقلب و کیفیت گزارشگری شرکت‌ها، عددی مثبت (ولی بی‌معنا) بوده است که این نتیجه نشان می‌دهد حق‌الزحمه حسابرسی برای مشاهدات دارای تجدید ارائه صورت‌های مالی، بالاتر بوده است. ضرایب به‌دست‌آمده برای متغیر اصلی مورد بررسی ما، یعنی MABILITY برابر با $-0/504$ (و در سطح خطای قابل قبول حداکثر ۱٪ معنادار) بوده است. روی‌هم‌رفته، یافته‌های مزبور به‌شدت فرضیه اول پژوهش (H_1) را تأیید می‌کند و مطابق با این دیدگاه است که هرچه توانایی مدیریت بالاتر باشد، ریسک کار حسابرسی کاهش خواهد یافت. نتایج حاصل از این فرضیه مطابق با نتایج پژوهش کریشان و وانگ [۴۲] است.

نتایج حاصل از بررسی رابطه (۸) این پژوهش در خصوص رابطه بین معیار توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی در نگاره (۵) ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل اول پژوهش بیشتر از ۶۱ درصد است. مقادیر P-Value (سطح معناداری) گزارش شده مبتنی بر خطای استاندارد است. در رابطه با متغیرهای کنترل نیز، متغیرهای EQ، AGE، INITIAL، INVREC، LEV و BIG معنادار هستند و افزون بر این، علامت ضرایب برازش شده برای آنها مطابق با پیش‌بینی‌های به‌عمل‌آمده در راستای انتظارات پژوهشگر بوده است. متغیر جانشین مورد استفاده برای اندازه‌گیری کیفیت سود، با نماد EQ_{t-1} مطابق با مدل تعدیل شده دجو و دیچو [۲۳] و به‌گونه‌ای محاسبه شده است که هرچه مقدار به‌دست‌آمده برای این متغیر بالاتر باشد، این امر نشان‌دهنده پایین‌تر بودن کیفیت سود شرکت‌هاست. ضریب به‌دست‌آمده برای متغیر EQ_{t-1} عددی مثبت و

نگاره ۵. نتایج برازش مدل رگرسیونی اول پژوهش

فرضیه اول: رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی

| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | p-value |
|--------------------------------|------------|--------|---------|----------|
| عرض از مبدا | C | ۱/۳۹۳ | ۴/۲۴۵ | ۰/۰۰۰*** |
| توانایی مدیریت | MABILITY | -۰/۵۰۴ | -۳/۵۰۲۶ | ۰/۰۰۳*** |
| اندازه صاحبکار | LNTA | ۰/۳۰۷ | ۹/۵۲۶ | ۰/۰۰۰*** |
| کیفیت سود | EQ | ۰/۳۰۸ | ۱/۷۱۱ | ۰/۰۸۸* |
| ارزش بازار به دفتری | BM | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۹۴ | ۰/۹۲۵ |
| اهرم | LEV | -۰/۲۳۵ | -۱/۹۵۲ | ۰/۰۵۱* |
| نرخ بازده دارایی‌ها | ROA | -۰/۰۰۲ | -۰/۳۳۳ | ۰/۷۴ |
| نسبت مجموع موجودی و دریافتی‌ها | INVREC | ۰/۴۴۹ | ۲/۹۹۱ | ۰/۰۰۳*** |
| زیان | LOSS | ۰/۰۴۶ | ۰/۲۶۹ | ۰/۷۸۸ |
| رشد | SGROWTH | -۰/۰۰۷ | -۰/۱۱۴ | ۰/۹۰۹ |
| حسابرسی نخستین | INITIAL | ۰/۱۲۳ | ۲/۲۲۳ | ۰/۰۲۷** |
| تأخیر گزارش حسابرسی | AUDLAG | -۰/۰۰۱ | -۱/۳۴۷ | ۰/۱۷۸ |
| سن شرکت | AGE | ۰/۰۰۶ | ۳/۰۷۶ | ۰/۰۰۲*** |
| بند تداوم فعالیت | GC | ۰/۰۲۴ | ۰/۱۲۳ | ۰/۹۰۲ |
| تجدید ارائه | RESTATE | ۰/۰۶۶ | ۱/۱۹۳ | ۰/۲۳۳ |
| تأمین مالی جدید | NEW_FIN | ۰/۰۸۱ | ۰/۹۶۸ | ۰/۳۳۳ |

| فرضیه اول: رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی | | | | |
|---|------------|-----------|---------|-----------|
| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | p-value |
| اندازه مؤسسه حسابرسی | BIG | ۰/۶۹۷ | ۹/۸۰۷ | ۰/۰۰۰ *** |
| شاخص ورشکستگی | ZSCORE | -۰/۰۱ | -۰/۳۳ | ۰/۷۴۱ |
| نسبت جریان‌های نقدی عملیاتی | OPCFO | -۰/۰۱ | -۰/۸۶۱ | ۰/۳۸۹ |
| فرصت سرمایه‌گذاری | INVEST | ۰/۲۵۹ | ۱/۰۹۲ | ۰/۲۷۵ |
| ضریب تعیین: | | ۶۳/۵ درصد | | |
| ضریب تعیین تعدیل شده: | | ۶۱/۹ درصد | | |
| *** معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۱٪ (سطح اطمینان ۹۹٪) | | | | |
| ** معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۵٪ (سطح اطمینان ۹۵٪) | | | | |
| * معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۱۰٪ (سطح اطمینان ۹۰٪) | | | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه دوم

در ادامه، مدل بند تداوم فعالیت مورد استفاده برای مقاصد آزمون فرضیه دوم این پژوهش تشریح می‌شود. به منظور فرایند انتخاب عوامل تعیین‌کننده و ساخت مدل لجستیک برای پیش‌بینی انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت، از مدل مورد استفاده دیفاند و همکاران [۲۴] و لیم و تان [۴۵] استفاده شد. به‌طور خاص، عوامل اندازه شرکت (LNTA)، سن شرکت (AGE)، معیارهای سنجش ریسک حسابرسی مانند امتیاز ورشکستگی (ZSCORE)، اهرم شرکت (LEV)، فرصت سرمایه‌گذاری (INVEST)، اقدامات تأمین مالی جدید (NEWFIN) و همچنین، معیارهای سنجش عملکرد شرکت‌ها شامل زیان‌ده بودن شرکت (LOSS) و در نهایت نسبت جریان‌های نقدی عملیاتی (OPCFO) در مدل بند تداوم فعالیت گنجانیده شده است. افزون بر این موارد، از متغیر BIG به‌عنوان عامل جانشین کیفیت حسابرسی بالاتر و تأخیر گزارش حسابرس (AUDLAG) در مدل تداوم فعالیت استفاده شده است. از آنجا که دمرجیان و همکاران [۲۶] نشان دادند توانایی مدیریتی با کیفیت سود حسابرسی شرکت‌ها در ارتباط است که خود می‌تواند بر تصمیمات مرتبط با تداوم فعالیت شرکت‌ها اثرگذار باشد، از متغیر کیفیت سود گذشته

(با نماد EQ) نیز به‌عنوان یک متغیر کنترلی استفاده شد. براین اساس، برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، مدل رگرسیونی که در رابطه (۹) آمده است، برآش شد.

$$GC_{it} = \beta_0 + \beta_1 MABILITY_{i,t} + \beta_2 LNTA_{i,t} + \beta_3 EQ_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 AUDLAG_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 NEWFIN_{i,t} + \beta_9 BIG_{i,t} + \beta_{10} ZSCORE_{i,t} + \beta_{11} OPCFO_{i,t} \quad (9)$$

مطابق با پژوهش‌های پیشین صورت گرفته در این حوزه، پیش‌بینی می‌شود ضرایب به‌دست آمده برای متغیرهای EQ، LEV، AUDLAG، ZSCORE و BIG اعدادی مثبت و معنادار باشند. همچنین، انتظار می‌رود ضرایب متغیرهای AGE، INVEST، SIZE و NEWFIN اعدادی منفی و معنادار باشند.

تعاریف متغیرهای مورد استفاده در این مدل به شرح نگاره (۱) است. آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در رابطه (۹) پژوهش نیز در نگاره (۲) ارائه شده است. مطابق با نگاره مزبور، حدود ۱/۷ درصد از تمامی مشاهدات مربوط به رابطه (۹) پژوهش گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت دریافت کرده بودند.

(ZSCORE)، جریان‌های نقدی عملیاتی (OPCFO) و سرمایه‌گذاری (INVEST) با بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی مستقل شرکت‌ها رابطه معناداری برقرار نیست. در رابطه با متغیر اصلی موردنظر این پژوهش، ضریب به‌دست‌آمده برای MABILITY برابر با ۰/۰۲۶- (و در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۱٪) معنادار بوده است که این امر نشان می‌دهد احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند بی‌اطمینانی نسبت به تداوم فعالیت شرکت، به موازات افزایش توانایی مدیریت شرکت کاهش می‌یابد. این نتایج مطابق با نتایج پژوهش کریشنان و ونگ [۴۲] است.

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی فرضیه دوم تحقیق در نگاره (۶) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت، رابطه معکوسی با اندازه شرکت، اقدامات تأمین مالی جدید و رسیدگی به‌وسیله سازمان حسابرسی دارد (همگی ضرایب معناداری به لحاظ آماری داشته‌اند) و رابطه مستقیمی با سن شرکت و تأخیر گزارش حسابرسی دارد (زیرا این متغیرهای در مدل دوم با درجه اطمینان بالایی به لحاظ آماری معنادار بوده‌اند). نتایج ما همچنین نشان داد بین متغیرهای کیفیت سود (EQ)، اهرم (LEV)، زیان‌ده‌بودن شرکت (LOSS)، شاخص ورشکستگی

نگاره ۶. نتایج برازش مدل رگرسیونی دوم پژوهش

| فرضیه دوم: رابطه بین توانایی مدیریت و بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی | | | | |
|---|------------|-----------|---------|----------|
| نام متغیر | نماد متغیر | ضریب | آماره t | P-Value |
| عرض از مبدأ | C | -۰/۰۶۵ | -۱/۰۲ | ۰/۳۰۸ |
| توانایی مدیریت | MABILITY | -۰/۰۲۶ | -۲/۴۱۷ | ۰/۰۱۳** |
| اندازه صاحبکار | LNTA | -۰/۰۴۲ | -۲/۴۴۲ | ۰/۰۱۵** |
| کیفیت سود | EQ | ۰/۰۳۴ | ۱/۰۶۱ | ۰/۲۱۹ |
| اهرم | LEV | ۰/۰۲ | ۱/۴۲۹ | ۰/۱۵۳ |
| زیان | LOSS | -۰/۰۰۳ | -۰/۰۶ | ۰/۹۵۲ |
| تأخیر گزارش حسابرسی | AUDLAG | ۰/۰۰۱ | ۱/۹۳۹ | ۰/۰۵۳* |
| سن شرکت | AGE | ۰/۰۰۷ | ۲/۵۱۲ | ۰/۰۱۲** |
| تأمین مالی جدید | NEW_FIN | -۰/۰۴۹ | -۲/۹۳۳ | ۰/۰۰۴*** |
| اندازه مؤسسه حسابرسی | BIG | -۰/۰۲۵ | -۱/۷۳۸ | ۰/۰۸۳* |
| شاخص ورشکستگی | ZSCORE | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۱۳ | ۰/۹۹ |
| نسبت جریان‌های نقدی عملیاتی | OPCFO | ۰/۰۰۰ | -۰/۰۸۵ | ۰/۹۳۲ |
| فرصت سرمایه‌گذاری | INVEST | ۰/۰۰۸ | ۰/۱۹۸ | ۰/۸۴۳ |
| ضریب تعیین: | | ۴۶ درصد | | |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده: | | ۴۴/۳ درصد | | |

*** معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۱٪ (سطح اطمینان ۹۹٪)

** معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۵٪ (سطح اطمینان ۹۵٪)

* معناداری در سطح خطای قابل قبول کمتر از ۱۰٪ (سطح اطمینان ۹۰٪)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

مدیریت شرکت با حقالزحمه حسابرسی پایین‌تر ارتباط دارد که به کاهش احتمال انتشار گزارش حسابرسی مستقل حاوی بند تداوم فعالیت منجر

طبق شواهد این پژوهش، پس از بررسی ویژگی‌های خاص مربوط به شرکت‌ها، توانایی

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

حسابرسان مستقل می‌توانند از معیار سنجش توانایی مدیریت، به منظور بررسی صاحبکاران خود و اتخاذ تصمیمات قیمت‌گذاری استفاده کنند. همچنین، به تدوین‌کنندگان مقررات حاکم بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و همچنین، سرمایه‌گذاران و حسابرسان پیشنهاد می‌شود از امتیاز توانایی مدیریت به منظور شناسایی شرکت‌های پذیرفته‌شده با ریسک‌های حسابرسی بالاتر استفاده کنند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود به بررسی ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرس بپردازند؛ زیرا، رابطه بین این دو متغیر ممکن است از عوامل تعدیل‌کننده ساختاری، نظیر ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرس، آشنایی حسابرس با واحد مورد رسیدگی و یا تغییرات در محیط تأثیر گیرد.

علاوه بر این موارد، خطای اندازه‌گیری و سایر عوامل بالقوه تأثیرگذار بر قابلیت اتکای نتایج مربوط به تأثیر توانایی مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت می‌تواند در مطالعات بعدی در این حوزه بررسی شود. به این ترتیب، مطالعات بعدی بهتر است از روش‌های پژوهش تجربی با استفاده از نمونه کنترل‌ی برای تحلیل بهتر و تأیید یافته‌های مطالعه حاضر استفاده کنند.

می‌شود. یافته‌های این پژوهش این دیدگاه را تأیید می‌کند که توانایی مدیریتی دارای محتوای اطلاعاتی برای حسابرسان مستقل است.

بنابراین، در رابطه با حق الزحمه حسابرسی نتایج نشان می‌دهد ضریب توانایی مدیریتی عددی منفی و معنادار بوده است، بدان معنا که، حق الزحمه حسابرسی با کاهش توانایی مدیریت افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، توانایی مدیریتی صاحبکار، رابطه معکوسی با حق الزحمه حسابرسی، پس از کنترل شماری از عوامل مختلف دارد.

در رابطه با تجزیه و تحلیل تداوم فعالیت نیز، مطابق با پژوهش‌های پیشین، نتایج نشان داد احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت به موازات افزایش توانایی مدیریتی صاحبکار کاهش می‌یابد. روی هم رفته، یافته‌های مزبور مطابق با این دیدگاه است که توانایی مدیریتی بالاتر، به کاهش ریسک حسابرسی منجر می‌شود.

محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی محدودیت‌هایی دارد که باعث می‌شود نتایج آن با احتیاط بیان گردد و تعمیم داده شود. در این پژوهش به دلیل در دسترس نبودن سهم بازار شرکت‌های مورد بررسی، نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، سهم بازار شرکت در رابطه (۲) در نظر گرفته شده است. همچنین، پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های ۸۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ انجام شده است و دربرگیرنده همه طبقات صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران نیست؛ بنابراین، به هنگام تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش به سایر شرکت‌ها و صنایع باید به این مسئله توجه کرد.

- Performance: Evidence from the Global Financial Crisis. *Working paper*. <http://www.mfsociety.org>.
8. Antle, R., and B. Nalebuff. (1991), Conservatism and auditor-client negotiations, *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, No. 1, Pp. 31-54.
9. Ashbaugh, H., LaFond, R., and B. Mayhew. (2003). Do Nonaudit Services Compromise Auditor Independence? Further Evidence. *The Accounting Review*, Vol. 78, Pp. 611-639.
10. Baik, B., Farber, D., and S. Lee. (2011). CEO Ability and Management Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*. Vol. 28, No. 5, Pp. 1645-1668.
11. Bamber, L., Jiang, J., and I. Wang. (2010). What's My Style? The Influence of Top Managers and Their Personal Backgrounds on Voluntary Corporate Financial Disclosure. *The Accounting Review*, Vol. 85, No. 4, Pp. 1131-1162.
12. Basioudis, G. L. (2008). Audit Fees, Non-Audit Fees and Auditor Going-Concern Reporting Decisions in the United Kingdom. *A Journal of Accounting, Finance, and Business Studies*, Vol. 44, No. 3, Pp. 284-309.
13. Bell, T., Doogar, R., and I. Solomon. (2008). Audit Labor Usage and Fees under Business Risk Auditing. *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, No. 4, Pp. 729-760.
14. Bell, T., d Landsman, W., and D. Shackelford. (2001). Auditors' Perceived Business Risk and Audit Fees: Analysis and Evidence. *Journal of Accounting Research*, Vol. 39, Pp. 35-43.
15. Bonsall, B. Samuel., Holzman, R. Miller., and P. Brian. (2016). Managerial Ability and Credit Risk Assessment. *Management Science*, Vol. 22, No. 5, Pp. 1-26.
16. Carcello, J.V., and Z.V. Palmrose. (1994), Auditor litigation and modified reporting on bankrupt clients. *Journal of Accounting Research*, Vol. 32, No. 1, Pp. 1-30.
17. Carmeli, A., and A. Tishler. (2004). Resources, Capabilities, and the Performance of Industrial Firms: A Multivariate Analysis. *Managerial and Decision Economics*, Vol. 25, Pp. 299-315.
18. Carson, E., Fargher, N., Geiger, M., Lennox, C., and K. Raghunandan. (2013). Audit Reporting for Going Concern
- منابع**
۱. ایزدی‌نیا، ناصر؛ گوگردچیان، احمد و مژگان تنباکویی. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۱، صص ۳۶-۲۱.
۲. بزرگ‌اصل، موسی و بیستون صالح‌زاده. (۱۳۹۳). توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی. *دانش حسابداری*، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۳۹-۱۱۹.
۳. بزرگ‌اصل، موسی و بیستون صالح‌زاده. (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، سال ۱۴، شماره ۵۸، صص ۱۷۰-۱۵۳.
۴. پورحیدری، امید و مهدی رونوشتی حاجی. (۱۳۸۹). پیش‌بینی بحران‌های مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیک خطی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*. سال ۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۳، صص ۴۶-۳۳.
۵. پیری، پرویز؛ حمزه، دیدار و سیما خدایاری‌گانه. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۱، صص ۱۱۸-۹۹.
۶. منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه و وحید حسین‌پور. (۱۳۹۴). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ۷، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، صص ۵۴-۳۷.
7. Andreou, P., Ehrlich, D., and C. Louca. (2013). Managerial Ability and Firm

- Their Audit Clients. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 14, Pp. 1–21.
30. Francis, J., Huang, A. H., Rajgopal, S., and A. Y. Zang. (2008). CEO Reputation and Earnings Quality. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25, No. 1, Pp. 109–147.
31. Francis, B., Ning, R., Xian, S., and W. Qiang. (2016). Do Better Managers Get Better Loan Contracts? Available at SSRN, https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2793943
32. Ge, W., Matsumoto, D., and J. Zhang. (2011). Do CFOs Have Styles of Their Own? An Empirical Investigation of the Effect of Individual CFOs on Financial Reporting Practices. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 28, No. 4, Pp. 1141–1179.
33. Gibbins, M., Salterio, S.E., and A. Webb. (2001). Evidence about auditor– client management negotiation concerning client’s financial reporting. *Journal of Accounting Research*, Vol. 39, No. 3, Pp. 535–563.
34. Hambrick, D., and P. Mason. (1984). Upper Echelons: The Organization as a Reflection of its Top Managers. *The Academy of Management Review*, Vol. 9, (April), Pp. 193–206.
35. Hannan, M., and J. Freeman. (1977). the Population Ecology of Organizations. *American Journal of Sociology*, Vol. 82, No. 5, Pp. 929–964.
36. Hay, D. C., Knechel, W. R., and N. Wong. (2006). Audit Fees: A Meta-Analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 23, Pp. 141–191.
37. Houston, R., Peters, M., and J. Pratt. (2005). Nonlitigation Risk and Pricing Audit Services. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 24, No. 1, Pp. 37–53.
38. Johnson, E., Kuhn, J., Apostolou, B., and J. Hassell. (2013). Auditor Perceptions of Client Narcissism as a Fraud Attitude Risk Factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 32, Pp. 203–219.
39. Kizirian, T., Mayhew, B., and L. Sneathen. (2005). the Impact of Management Integrity on Audit Planning and Evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 24, Pp. 49–67.
- Uncertainty: A Research Synthesis. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 32, (August), Pp. 353–384.
19. Chemmanur, T., and I. Paeglis. (2005). Management Quality, Certification, and Initial Public Offerings. *Journal of Financial Economics*, Vol. 76, No. 2, Pp. 331–368
20. Chemmanur, T., Paeglis, I., and Simonyan, K. (2009). Management Quality Financial Investments and Asymmetric Information. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 44, No. 5, Pp. 1045–1079.
21. Choi, J. H., Kim, J. B., and Y. Zang. (2010). Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 29, Pp. 115–140.
22. Choi, W., Sam, H., Sung, H. J., and K. Tony. (2015). CEO’s Operating Ability and the Association between Accruals and Future Cash Flows. *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 42, No. (5-6), Pp. 619–634.
23. Dechow, P., and I. Dichev. (2002). the Quality of Accruals and Earning: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, Vol. 77, Pp. 35–59.
24. DeFond, M. L., Raghunandan, K., and R. K. Subramanyam. (2002). Do Nonaudit Service Fees Impair Auditor Independence? Evidence from Going Concern Audit Opinions. *Journal of Accounting Research*, Vol. 40, No. 4, Pp. 1247–1274.
25. Demerjian, P., Lev, B., Lewis, M., and S. McVay. (2013). Managerial Ability and Earnings Quality. *The Accounting Review*, Vol. 88, No. 2, Pp. 463–498.
26. Demerjian, P., Lev, B., and S. McVay. (2012). Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Tests. *Management Science*, Vol. 58, No. 7, Pp. 1229–1248.
27. Demerjian, P., Lewis, M., and S. McVay. (2012). Managerial Ability and Earnings Management. Available in: www.olin.wustl.edu. Pp 258–302.
28. Dyreng, S., Hanlon, M., and E. Maydew. (2010). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 85, No. 4, Pp. 1163–1189.
29. Firth, M. (1997). The Provision of Nonaudit Services by Accounting Firms to

47. Lys, T., and R.L. Watts. (1994), Lawsuits against auditors. *Journal of Accounting Research*, Vol. 32, No. 3, Pp. 65-93.
48. Morgan, J., and P. Stocken. (1998). the Effects of Business Risk on Audit Pricing. *Review of Accounting Studies*, Vol. 3, (December), Pp. 365–385.
49. O'Malley, S. (1993). Legal Liability Is Having a Chilling Effect on the Auditor's Role. *Accounting Horizons*, Vol. 7, No. 2, Pp. 82–87.
50. Palmrose, Z. V. (1987). Litigation and Independent Auditors: The Role of Business Failures and Management Fraud. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 6, Pp. 90–102.
51. Pratt, J., and J. D. Stice. (1994). the Effects of Client Characteristics on Auditor Litigation Risk Judgments, Required Audit Evidence, and the Recommended Audit Fees. *The Accounting Review*, Vol. 69, Pp. 639–656.
52. Salterio, S.E. (2012), Fifteen years in the trenches: auditor– client negotiations exposed and explored. *Accounting & Finance*, Vol. 52, No. S1, Pp. 233-286
53. Simunic, D. (1980). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence. *Journal of Accounting Research*, Vol. 18, Pp. 161–190.
54. Yutao, L., and L. Yan. (2017). The Contextual Nature of the Association Between Managerial Ability and Audit Fees. *Review of Accounting and Finance*, Vol. 16, No. 1, Pp. 2-20.
40. Koester, A., and Shevlin, T., and D. Wangerin. (2016). The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. *Management Science*, Vol. 22, No. 9, Pp. 1-27.
41. Krishnan, J. and J. Krishnan. (1997), Litigation risk and auditor resignations. *The Accounting Review*, Vol. 72, No. 4, Pp. 539-560.
42. Krishnan, V. G., and C. Wang. (2015). the Relation between Managerial Ability and Audit Fees and Going Concern Opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 34, No. 3, Pp. 139–160.
43. Leverty, T., and M. Grace. (2012). Dupes or Incompetents? An Examination of Management's Impact on Firm Distress. *The Journal of Risk Insurance*, Vol. 79, No. 3, Pp. 751-783.
44. Li, S. (2016). Managerial Ability and Goodwill Impairment. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 32, Pp. 42-51.
45. Lim, C. Y., and H. T. Tan. (2008). Nonaudit Service Fees and Audit Quality: The Impact of Auditor Specialization. *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, No. 1, Pp. 199–246.
46. Lyon, J., and M. Maher. (2005). the Importance of Business Risk in Setting Audit Fees: Evidence from Cases of Client Misconduct. *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, No. 1, Pp. 133–51.